

مسئولیت عاطفی همسران در خانواده از منظر اسلام**(با رویکرد روان‌شناسی)**

تأیید: ۱۴۰۳/۰۵/۱۸

دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۶

عاطفه پولاد^۱محسن خوش‌فر^۲**چکیده**

در مباحث دینی و روان‌شناسی، به «مسئولیت عاطفی» به عنوان یکی از مسئولیت‌های تأثیرگذار در خانواده، توجه ویژه‌ای شده است. ارتباط عاطفی بین همسران با مؤلفه‌هایی در ارتباط بوده و مراحل رشدی دارد که باعث استحکام خانواده می‌شود. این پژوهش درصدد است، مسئولیت‌های عاطفی همسران را در قالب ارتباط‌های کلامی و غیرکلامی بررسی نماید. مهم‌ترین نقش زن و شوهر به عنوان ارکان اصلی ایجاد آرامش در نهاد خانواده، اظهار محبت به یکدیگر در قالب‌های خوش‌رویی، صدا زدن به احترام، سپاس‌گزاری و خودداری از سرزنش است. «تعادل شخصیتی طرفین، برطرف شدن نیازها، زمینه‌سازی برای رسیدن به کمال، تحصیل آرامش و تعلیم ارتباط صحیح به فرزندان» نیز، از جمله اهداف ارتباط عاطفی محسوب می‌گردد. در آموزه‌های قرآن و روایات و علم روان‌شناسی، راه‌کارهایی برای تحقق این اهداف ارائه شده است. البته در بعضی از مولفه‌ها، روان‌شناسان نظر پیشگیرانه‌ای ارائه نکرده‌اند، ولی در قرآن و روایات مواردی بیان شده که امتیاز دین بر روان‌شناسی را روشن می‌سازد؛ مانند آیات مربوط به سپاس‌گزاری. تحقیق حاضر، با روش تطبیقی، توصیفی و تحلیلی می‌کوشد تا با یافتن برنامه جامع اسلام در این زمینه، روش‌ها و راهکارهایی برای اصلاح و ارتقاء عاطفی بین همسران ارائه دهد.

واژگان کلیدی: خانواده، تربیت، مسئولیت عاطفی، محبت، وظایف زن و مرد، نیاز کلامی و غیرکلامی.

۱. طلبه سطح چهار، گرایش تفسیر تطبیقی، مرکز پژوهشی مطالعات بین‌رشته‌ای علوم انسانی اسلامی حضرت

فاطمه‌الزهره سلام‌الله‌علیها اصفهان، (نویسنده مسئول)؛ پست الکترونیکی: atefepoolad13@gmail.com

۲. استادیار گروه حدیث جامعه‌المصطفی‌العالمیه قم؛ پست الکترونیکی: mohsenkhoshfar@imam.miu.ac.ir

مقدمه

خانواده، اولین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی محسوب می‌شود و هرگونه رفتار و کردار خوب و بد خانوادگی، در سوق دادن اجتماع به نیکی یا بدی مؤثر است. با نگاهی گذرا به آموزه‌های اسلام، درمی‌یابیم تا چه حد خانواده را با اهمیت دانسته و در رشد و حفاظت آن کوشیده و حس مسئولیت را در آن برانگیخته است. مسئولیت، به‌عنوان یکی از مفاهیم بسیار مهم، از دیرباز مورد توجه عالمان دینی و روان‌شناسان قرار گرفته و در اسلام نیز از جایگاهی ویژه برخوردار است. مفهوم مسئولیت، با توجه به تعدد سؤال‌کننده، متعدد می‌شود. مسئولیت دینی، قانونی و اخلاقی، از جمله این مفاهیم است. به‌طور کلی، در نهاد خانواده سه نوع مسئولیت وجود دارد؛ مسئولیت: «همسران در قبال یکدیگر»، «والدین در برابر فرزندان» و «فرزندان در برابر والدین». اگر زن و شوهر به مسئولیت‌های خود، به درستی عمل کنند و به یکدیگر مهر بورزند، خانه به محیطی امن و آرام و مناسب برای رشد و کمال خود و فرزندان‌شان تبدیل شده، محیط خانواده و در نتیجه اجتماع، یکپارچه لبریز صفا و صمیمیت می‌گردد و رنگ سلامت و حتی معنویت به خود می‌گیرد. بنابراین، بسیار اهمیت دارد که همسران نسبت به مسئولیت‌های خود، به‌خصوص مسئولیت بسیار تأثیرگذار عاطفی، آگاهی لازم را داشته باشند. در همین راستا، اسلام توصیه‌هایی درباره چگونگی صدا زدن یکدیگر، سپاس و قدردانی، شوخ‌طبعی، صبوری و مسائلی از این قبیل به همسران دارد، که توجه و رعایت آن‌ها، باعث ایجاد محبت و تحکیم روابط خانوادگی می‌شود.

هرچند این مسأله دارای سابقه تحقیقی و تدوینی است و در کتاب‌ها و مقالاتی مورد اشاره و بررسی قرار گرفته، اما در هیچ‌یک، به صورت کلی محدودده مسئولیت عاطفی در خانواده آن‌هم به روش تطبیقی از منظر قرآن و روایات و علم روان‌شناسی، بررسی نشده است. در کتاب «خانواده و کارکرد عاطفی آن» (قاسمی، صدیقه، ۱۳۸۵)، دیدگاه شهید آیت‌الله دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی ^{قدس سره} در مورد تأکید بر کارکرد عاطفی خانواده و تأثیر آن بر ولایت والدین بر فرزندان، تبیین شده و موضوعاتی هم‌چون ازدواج موقت و تعدد زوجات، مورد بحث قرار گرفته است. مقاله «بررسی جو عاطفی خانواده و کنترل عواطف با گرایش اعتیاد» (عبدالملکی، سالار، مجله خانواده‌پژوهی، شماره ۴۸، زمستان ۱۳۹۵) نیز، به بیان رابطه جو عاطفی و کنترل عواطف در خانواده با میزان گرایش به اعتیاد می‌پردازد. هم‌چنین مقاله «بررسی رابطه جو عاطفی خانواده با خلاقیت دانش‌آموزان دختر

پایه پنجم ابتدایی» (خلعتبری، جواد، سهیلی‌پور، فاطمه‌زهرا، مجله ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، شماره ۲۰، پاییز ۱۳۹۶)، درباره جایگاه و اهمیت «خلاقیت» و پرورش آن در کودکان از منظر علم روان‌شناسی، پژوهش نموده و به این نتیجه رسیده که یکی از مهم‌ترین عوامل در شکوفایی خلاقیت کودکان، وجود جو عاطفی در خانواده است.

همان‌گونه که گفته شد، این آثار به صورت جزئی به مسئولیت عاطفی پرداخته و این مسأله را نسبت به گروه و قشر خاصی مثل نوجوانان و جوانان و معتادان بیان کرده‌اند. مقاله حاضر که با هدف کشف محدوده مسئولیت عاطفی همسران به روش تطبیقی، توصیفی و تحلیلی نوشته شده، به بررسی راهکارهای تأمین نیازهای عاطفی همسران در دو بُعد کلامی و غیرکلامی و تأثیر آن در تحکیم و قوام روابط خانوادگی می‌پردازد.

۱. مفهوم‌شناسی

۱.۱. خانواده (أسره- Family)

خانواده، کلمه‌ای واحد با معانی متفاوت و در لغت به معنای دودمان، خاندان و خویشاوندانی است که انسان به کمک آن‌ها نیرو می‌گیرد (ابن‌فارس، ۱۳۹۹ ق، ج ۱، ص ۱۰۷). در علم روان‌شناسی، خانواده یکی از اشکال تجمع انسان به همراه مجموعه‌ای از روابط و پدیده‌های مختلف است که در آن، مناسبت‌های جسمی، روانی، اقتصادی، فرهنگی و... باهم گره خورده و مجموعه یکپارچه‌ای را تشکیل داده‌اند. خانواده در معنای عام، اولین شکل زندگی اجتماعی انسان است که بیش از هر چیزی بر رشد اجتماعی او تأثیر دارد. با توجه به این تعریف، بعضی از جامعه‌شناسان، خانواده را مقدم بر ازدواج می‌دانند، زیرا معتقدند قبل از تنظیم روابط عرفی و سنتی زن و مرد به وسیله ازدواج، افراد بشر به صورت خانواده به سر می‌برده‌اند (حسن‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۱۷ تا ۱۸). در این تعریف، نه تنها نحوه شکل‌گیری خانواده که با ازدواج یک زن و مرد شروع می‌شود، گفته نشده است؛ بلکه به نظر می‌رسد، خانواده را بدون ازدواج هم قابل شکل‌گیری می‌داند.

در علم جامعه‌شناسی، خانواده یک گروه اجتماعی است که اعضای آن به وسیله ازدواج، نسل گذشته یا فرزندخواندگی، با یکدیگر پیوند برقرار می‌کنند؛ و افراد آن در تأمین درآمد، اقتصاد و نگهداری از فرزندان، یکدیگر را یاری می‌دهند (همو، ص ۲۰). در این تعریف، به مسأله ازدواج برای تشکیل خانواده اشاره، ولی محدوده مسئولیت صرفاً به اقتصاد مربوط شده است؛ و این‌طور

برداشت می‌شود که اگر در بُعد اقتصادی به هم کمک نکنند، خانواده محسوب نمی‌شوند. در مکتب اسلام، خانواده مجموعه‌ای از افراد با رابطه‌های سببی (عقد ازدواج) و نسبی (والدین، فرزند، برادر و خواهر) است. این افراد به نسبت رابطه‌ای که باهم دارند، دارای مسئولیت‌های دینی، اجتماعی، حقوقی، تربیتی، رفتاری، اقتصادی و... هستند. بنابراین، خانواده از منظر اسلام، شامل خاندان هسته‌ای و گسترده می‌شود که حتی بستگانی چون عمو، عمه، دایی و خاله را نیز شامل می‌گردد. در این تعریف، اشکالات تعاریف قبلی وجود ندارد، زیرا هم به تشکیل خانواده از طریق ازدواج اشاره و هم به مباحث اقتصادی و حتی معنوی اعضا توجه شده است. بنابراین، به نظر می‌رسد، نسبت به تعاریف دیگر جامعیت داشته باشد؛ به همین دلیل، تعریف مختار در این مقاله محسوب می‌شود.

۱.۲. مسئولیت

مسئولیت، از سؤال اشتقاق یافته و در لغت به معنای وظیفه‌یافتن و ضرورت پاسخ‌گو بودن است؛ اما در اصطلاح، معنای مسئولیت متعدد و گاهی متفاوت می‌شود. با تعدد سؤال‌کننده، مسئولیت نیز متنوع خواهد بود. گاهی درخواست‌کننده، خدا و دین است که به آن، مسئولیت الهی و دینی گفته می‌شود. در مواقعی، سؤال از سوی وجدان و فطرت انسان مطرح شده و به آن، مسئولیت اخلاقی می‌گویند. گاهی خواهان، قانون بوده و خواسته‌ها و وظایف، مسئولیت قانونی نامیده می‌شود. در مواردی نیز خواهان و سؤال‌کننده، اجتماع و جامعه است که به این انتظارات و توقعات، مسئولیت اجتماعی گفته می‌شود (وطن‌دوست، ۱۳۹۳، ص ۱۱۰ تا ۱۱۱). در این تحقیق، منظور از مسئولیت، اخلاقی است؛ یعنی نوعی وظیفه که از فطرت پاک و وجدان انسانی نشأت می‌گیرد و مورد تأیید خدا و دین نیز می‌باشد.

۱.۳. عواطف

عاطفه، عبارت از تأثرات درونی یا امیال مرتبط و مطرح با انسان دیگر یا برگرفته از محیط است؛ مثل شادی، امید، بیم، خشم، مهر و... که به لذت و آلم تعبیر می‌شوند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۹۱). به عبارت دیگر، عاطفه نوعی واکنش یا رفتار با جنبه‌ی احساسی و ناشی از یک حس و ادراک آن است؛ و از آن‌جا که احساس در انسان‌ها جنبه‌های خوشایند یا ناخوشایند دارد، عواطف که رفتارهای ناشی از احساس‌های انسان است نیز، دارای این دو جنبه خواهد بود.

۲. نیازهای عاطفی در خانواده و ارتباط آن با مسئولیت و وظایف همسران

پیش از بیان وظایف مرد در خانواده، ذکر این نکته ضروری است که وظایف و مسئولیت‌های انسان‌ها در زندگی فردی و اجتماعی، با نیازهای آنان رابطه مستقیم دارند و مطابق با این نیازها تعریف می‌گردند. مثلاً بر اساس تئوری انتخاب، انسان با نیازهای اساسی بقاء، عشق، تعلق، قدرت، آزادی و لذت متولد می‌شود. این نیازها، محرک انسان بوده و به رفتارهای او جهت می‌دهند (گودرزی و همکاران، ۱۳۹۹، ص ۱۷). مسئولیت‌ها و وظایف، بایدهای رفتاری است و اگر نیازها، جهت‌دهنده رفتارهای انسان باشند، به طریق اولی و پیش از رفتارها، جهت‌دهنده و الزام‌ساز وظایف و مسئولیت‌ها خواهند بود. بنابراین، برای کشف وظایف و مسئولیت‌ها، می‌توان از طریق توجه به نیازها اقدام نمود. به عبارت دیگر، زمانی که نیاز مشخص گردد، وظایف و مسئولیت‌هایی نیز برای برآورده کردن آن تعریف می‌شود. در این تحقیق، جهت کشف وظایف، از طریق کشف نیازها اقدام خواهد شد.

۳. وظایف مرد

با توضیح پیش‌گفته باید دانست، وظایف مرد جهت تأمین نیازهای عاطفی، به دو حیطه روابط کلامی و غیرکلامی تقسیم می‌شود.

۳.۱. وظایف مرتبط با نیازهای کلامی اعضای خانواده

کلام، یکی از ابزارهای اساسی در ارتباط با دیگران به شمار می‌رود که علاوه بر معنا، احساساتی مانند محبت و نفرت، تکریم و تحقیر و احترام را نیز منتقل می‌کند. بنابراین، مهارت در سخن گفتن، در موفقیت تعامل، نقش اساسی داشته و در بهداشت روان خانواده و ایجاد و تحکیم الفت میان اعضا نیز، بسیار مؤثر است (پسندیده، رضایت از زندگی، ۱۳۸۶، ص ۱۲۶). بسیاری از نیازهای اعضای خانواده، از طریق کلام مرتفع می‌گردد. به عبارت دیگر، مرد باید از مهارت‌های کلامی و گفتار پسندیده استفاده کند تا بتواند این‌گونه نیازها را برطرف سازد. وظایف کلامی مرد در تأمین نیازهای عاطفی همسر و اعضای خانواده، اجمالاً به قرار زیر است:

۱.۱.۳. محبت کلامی: یکی از تفاوت‌های زنان با مردان و از جمله ویژگی‌های شخصیتی و روانی آن‌ها این است که نیاز و علاقه دارند، همسرشان بیش از عشق‌ورزی در نمان، آشکارا و در محیط خانواده، به ایشان ابراز محبت و مهر و عاطفه نماید. بعضی از افراد، محبت را فقط در دوست داشتن و عاشق اطرافیان بودن خلاصه می‌کنند و قادر به بروز احساسات خود نیستند.

در صورتی که دوست داشتن به تنهایی، جزء کوچکی از مفهوم واژه عشق بوده و این واژه، بدون ابراز و اظهار نسبت به اطرافیان، ناقص و ابتر است (رودن، ۱۳۹۳، ص ۳۰۳).

توجه به این خواست فطری زن که دیگران او را دوست بدارند و به او مهر بورزند، بیش تر احساس می شود و لازم است مرد، محبت قلبی خود را بیش تر ابراز کند (زارعی توپخانه، ۱۳۹۷، ص ۱۴۷ تا ۱۴۸). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این رابطه می فرماید: «سخن مرد به همسرش که من تو را دوست دارم، هرگز از قلبش بیرون نمی رود» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۵، ص ۵۶۹). محبت کلامی می تواند، در قالب صدا کردن با نام مناسب و تعریف کردن از زن نیز جلوه کند.

۱.۱.۱.۳. صدا زدن زن با الفاظ زیبا: از نشانه های احترام زوجین به یکدیگر، صدا زدن زن به بهترین نامی است که هر یک دوست دارند. در روایت است: «سه چیز دوستی برادر مسلمان را برای برادرش ثابت می کند: با چهره گشاده ملاقاتش کند، ... او را با بهترین نام هایش صدا زند» (همو، ج ۲، ص ۶۴۳). در روایتی دیگر است: «هرگاه شخصی را دوست داشتی، دوستی خود را به او اعلام کن؛ زیرا این عمل، انس و الفت را بین شما پایدارتر می کند» (همو، ج ۴، ص ۶۴۴). از این روایات فهمیده می شود که اظهار محبت به صورت عمومی و بیان محبت و ابراز دوست داشتن زن به صورت خصوصی، از عوامل ایجاد انس و الفت است که زمینه استحکام خانواده را فراهم می کند. به عبارت دیگر، صدا زدن با نامی که فرد دوست دارد، باعث اعلام و اثبات دوست داشتن او می شود. هم چنین اعلام کردن دوستی به طرف مقابل، باعث ایجاد انس و الفت بین دو طرف می گردد. اگر این اتفاق بین زن و شوهر بیفتد، زمینه تحکیم خانواده را فراهم می کند.

صدا زدن با نام مناسب و استفاده از پسوندهای عاطفی مانند «جان»، احساس بسیار خوبی به همسر می دهد و محبت را در قلب او مضاعف می کند (زارعی توپخانه، ۱۳۹۷، ص ۱۴۸).

نحوه صدا کردن انسان ها به ویژه همسر، ارتباط مستقیمی با سلامت روحی و جسمی و حتی طول عمر دارد و می تواند در میزان ترشح هورمون های آرام بخش یا اضطراب زا در آنان مؤثر باشد. توصیه مهم در نحوه صدا زدن همسران این است که توافق کنند، در محیط های عمومی، خصوصی و خانواده چگونه همدیگر را صدا بزنند؛ مثلاً در محیط عمومی دوست دارند همدیگر را به صورت محترمانه آقا یا خانم صدا کنند. در محیط خانواده می توانند الفاظ و کلمات احساسی تری را برای صدا کردن انتخاب و صمیمانه اسم همدیگر را صدا زده یا از القاب و عناوینی مانند عزیزم و... استفاده کنند. در نزد فرزندان هم یکدیگر را با القاب و عناوین عاشقانه ولی غیرجنسی، صدا بزنند تا حس اطمینان به فرزندان منتقل شود و آن ها نیز نحوه رفتار با همسر را بیاموزند. البته در محیط

خصوصی، برای خطاب کردن می‌توانند آزادانه از کلمات احساسی و عاشقانه استفاده کنند (شهیدی، savadezendegi.com، تاریخ دسترسی ۱۴۰۱/۳/۲).

۱.۲.۱.۳. تعریف و تحسین زن: از آن‌جا که یکی از راه‌های تعامل با دیگران، مسأله تعریف و تمجید و نقطه مقابل آن، توهین و تحقیر می‌باشد، بنابراین باید بخشی از مهارت‌های ارتباطی در این رابطه را یاد بگیریم که اولاً، وظیفه ما در این رابطه چیست؟ در درجه دوم، بدانیم در برابر این پدیده چه واکنشی از خود نشان دهیم (پسندیده، رضایت زناشویی، ۱۳۹۱، ص ۲۰۱). اثری که احترام مرد به زن دارد، این است که منبع محبت او را لبریز می‌کند. یکی از راه‌های تکریم زن، تعریف از ظاهر او، زحمت‌ها و تلاش‌های وی است که باعث دل‌گرمی بیش از پیش زن می‌شود؛ با بیان جمله‌هایی مانند: شما زیباترین همسر دنیا هستی، چقدر این لباس به تن شما زیباست (زارعی توپخانه، ۱۳۹۷، ص ۱۵۰). احترام همسران نسبت به هم، رکن روابط مؤثر آن‌هاست؛ و در متون اسلامی به مردان سفارش شده که به همسر خود احترام بگذارند. در روایات آمده است: «کسی که همسری برگزیند، باید او را اکرام کند» تا آن‌جا که احترام به زن، نشانه رشدیافتگی و بی‌احترامی به او، نشانه ناپختگی مرد شناخته شده است: «ما أكرم النساء إلا کریم، ولا أهانهن إلا لئیم» (سیوطی، بی‌تا، ج ۱، ص ۶۲). در قرآن نیز از کارکردهای مثبت زبان که منجر به ارتباط و ابراز محبت می‌شود، به خوش‌گفتاری تعبیر شده است «هُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ» (حج/۲۴) (هاشمی، ۱۳۹۷، ص ۳۰۴). یعنی جمله‌ها و الفاظی را باید بر زبان جاری کرد که نشاط‌آفرین و باصفا بوده و روح و جان انسان را آرام کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۴، ص ۵۸).

۲.۱.۳. شوخ‌طبعی در گفتار: توجه به همه ابعاد وجودی انسان، امری ضروری است، زیرا همه آن‌ها نیازمند سرزندگی و پویایی هستند. اگر بخشی از این ابعاد نادیده گرفته شود، خمودی آن، تأثیر منفی خود را بر دیگر بخش‌ها و سپس بر کل زندگی، بر جای خواهد گذاشت (پسندیده، رضایت از زندگی، ۱۳۸۶، ص ۲۰۴ تا ۲۰۵). یکی از ابعادی که باید به آن توجه شود، شوخ‌طبعی است. این روحیه، مکانیزم ارزشمندی برای مقابله با حوادث اضطراب‌آفرین زندگی دارد و سیستم ایمنی افراد را در برابر عوامل آسیب‌زا تقویت می‌کند. این امر باعث می‌شود افرادی که از شوخ‌طبعی برخوردارند، در مقایسه با افراد فاقد این روحیه، در مواجهه با تجربیات تنش‌زا مثل خشم، غم و افسردگی، کمتر با خُلق منفی واکنش نشان دهند (ابوالفتحی ممتاز، انصاری و فروغان، ۱۳۹۹، ص ۱۲۲). از طرفی، شادی باعث انبساط روحی و برانگیخته شدن نشاط در انسان می‌شود. به فرموده امام علی علیه السلام «شادی، روح را باز می‌کند و نشاط را برمی‌انگیزد» (تمیمی آمدی،

۱۴۱۰ق، ص ۱۱۳). لذتی که از شوخی به دست می‌آید، نقش مهمی در سلامت دارد و با ایمان هم منافاتی ندارد. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله یکی از ویژگی‌های اهل ایمان را شوخ‌طبعی معرفی کرده و فرموده‌اند: «مؤمن، خوش‌رو و بذله‌گو است» (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۹). نکته مهم در آموزه‌های اسلام این است که شوخی و مزاح باید با شرایط صحیح انجام گردد. به‌عنوان مثال، از راه‌های نامشروعی مانند دروغ گفتن، توهین کردن و... برای خندانند دیگران استفاده نشود. رعایت این نکته آن‌قدر اهمیت دارد که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آن را به صورت هشدار مطرح می‌فرمایند؛ «وای بر کسی که کلام دروغی را نقل کند تا دیگران بخندند. وای بر او، وای بر او!» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۲۵۱). هم‌چنین در مزاح کردن، کاربرد الفاظ توهین‌آمیز مانند فحش و ناسزا گفتن منع شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۳۳). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت، مزاح در عین حال که یکی از راه‌های کاهش غم و اندوه است و حتی می‌تواند با یادآوری خاطرات خنده‌آور، مفید و تأثیرگذار باشد، اما نباید با تمسخر و دروغ و فحش و ناسزا همراه گردد، زیرا با آسیبی که وارد می‌کند، آن اثرات مثبت را از بین می‌برد.

۳.۲. وظایف مرتبط با نیازهای غیر کلامی اعضای خانواده

۳.۲.۱. تکیه‌گاه بودن: شاید در نگاه اولیه این‌طور به نظر برسد که تکیه‌گاه بودن مرد، ربط خاصی به محبت و تحکیم خانواده نداشته و بنابر نگاه بعضی از جریان‌های فمینیستی، حتی مخل آرامش و صمیمیت هم شناخته شود! اما با توجه دقیق‌تر معلوم می‌گردد، این امر نه تنها در رابطه صمیمی بین همسران تأثیر دارد، بلکه لازمه استحکام خانواده، توجه به الگوی مهر و اقتدار است که از تفاوت بین زن و مرد در منظر آیات و روایات، به دست می‌آید. اقتدار از نگاه روان‌شناسی، یعنی قدرتی که مستلزم اطاعت بوده (عالم، ۱۳۸۰، ص ۸۹؛ آشوری، ۱۳۸۶، ص ۲۴۷) و با رضایت همراه است. قبول کردن مرد به عنوان مرکز قدرت در خانواده، به معنای تبعیض و برتری یکی از زوجین بر دیگری نیست، بلکه بر اساس تفاوت‌های جنسیتی است که بین زن و مرد وجود دارد (پسندیده، رضایت از زندگی، ۱۳۸۶، ص ۱۳؛ حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۵۲).

زن با ازدواج، دنبال تکیه‌گاه محکم و قابل اعتماد می‌گردد و این خصلتی مشترک در همه زن‌ها است. خداوند متعال از مرد خواسته که تکیه‌گاه محکمی برای زن باشد تا او در سایه اطمینان و واگذاری امور به همسرش، از زندگی لذت ببرد. به عبارت دیگر، مردها مرکزیت ساختار قدرت در

خانواده و زن‌ها مدیریت داخلی و منبع عاطفی خانه را بر عهده دارند. این امر بر اساس نقش و نیاز هر یک از زوجین شکل گرفته است تا باعث آرامش بین آن‌ها شود (رودز، ۱۳۹۳، ص ۳۰۳). در قرآن نیز داریم: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ» یعنی مردان سرپرست زنان هستند (نساء/۳۴)؛ و این سرپرستی، بر اساس فطرت و طبیعت، به آنان واگذار شده است (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۲، ص ۷۳؛ قرشی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۳۵۵).

از این تفاوت و با الهام از آیات و روایات می‌توان به نمونه زیبایی به نام الگوی مهر و اقتدار در خانواده رسید. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در روایتی می‌فرماید: «بهترین مردان شما، آن کسی است که خانواده‌اش را نیازمند دیگران نمی‌کند» (بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۵، ص ۱۳۴؛ ج ۲۶، ص ۹۷۰). بدیهی است که نیاز خانواده منحصر در امور اقتصادی نیست و مسایل عاطفی اعضا به‌ویژه زن خانواده، از مهم‌ترین نیازهایی است که باید برآورده شود. بر اساس این الگو، زن و مرد هر دو نیاز به اقتدار و مهر دارند؛ اما نیاز به اقتدار، در مردان بیش‌تر و اساسی‌تر است و نیاز به مهر، در زنان به شکل آشکارتری بروز می‌کند. در کارکرد این الگو، مرد جذاب برای زن، مقتدر و تواناست و زن مورد علاقه‌ی مرد، ملایم و لطیف است. بنابراین، اگر زن به مرد اقتدار بدهد، از او مهر دریافت می‌کند و اگر مرد به زن عشق و مهر بدهد، از او قدرت دریافت می‌کند (زارعی توپخانه، ۱۳۹۷، ص ۵۷). در واقع اقتدار مرد و مهر و عاطفه زن، رابطه تنگاتنگی باهم دارند. زن، هنگامی احساس خوشبختی می‌کند که به مرد توان‌مندی تکیه کرده باشد [و از او عاطفه و محبت دریافت کند] (همو، ص ۱۱۸). بعضی از وظایف زنان برای حفظ اقتدار مردان، مواردی مانند توجه، احترام و عشق‌ورزی به آن‌ها، خداحافظی در هنگام خروج از منزل و استقبال در وقت ورود، قدردانی و... می‌باشد. عدم توجه به این تفاوت‌ها در بین زن و مرد، باعث کاهش جاذبه‌ها و احساس نیاز آن‌ها به هم می‌شود (شاهواروتی، ۱۳۸۷، ص ۷۵).

۳.۲.۲. معاشرت نیکو: برخورد نیکو و آرامش بخشیدن، از مهم‌ترین وظایف مرد در قبال همسر و اعضای خانواده است. برخلاف آن، سوء معاشرت و عدم برقراری ارتباط صحیح با اعضای خانواده، از آسیب‌های اخلاقی به شمار می‌آید (ویسی، بی‌تا، ص ۳۴). خداوند در آیه ۱۹ سوره نساء، به مردان سفارش می‌کند: با زنان به‌طور شایسته معاشرت کنید. معنای امر به معاشرت با زنان، معاشرتی است که در عرف مردم جامعه پذیرفته شده باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۲۵۵) و متضمن فضیلت اخلاقی و انسانی بوده و با فطرت، هم‌خوانی داشته باشد (بقره/۲۲۸ و ۲۴۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۲۳۲). با توجه به این مطالب، معنای «معروف»

وسیع و شامل هردو امر «سخن» و «رفتار» نیکو می‌شود و به‌طور کلی، خوب زندگی کردن و هر رفتار پسندیده‌ای را معروف می‌گویند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۴۰).

بعضی از مصادیق معاشرت نیکو عبارت‌اند از: گوش دادن به سخنان، هدیه دادن و همکاری در کارهای منزل. که به صورت مختصر به توضیح هر یک از آن‌ها می‌پردازیم.

۳.۲.۲.۱. گوش دادن: یکی از مهم‌ترین مهارت‌های ارتباطی است که صمیمیت بین زن و مرد را افزایش می‌دهد. قرآن کریم درباره پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرماید: «يَقُولُونَ هُوَ أَدْنَىٰ (توبه/۶۱)، یعنی پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در مقابل سخنان دیگران، با تمام حواس و با اهمیتی ویژه گوش می‌داد، به گونه‌ای که گویی تمام وجود آن حضرت گوش است و با تمام اعضا و جوارح به سخنان آنان گوش می‌دهد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۳۲۴). شنیدن و گوش دادن، دو مقوله‌ی متفاوت هستند. گوش، وسیله و ابزاری است برای شنیدن؛ و خوب گوش دادن، باعث درک مفاهیم و معنا می‌شود. چه بسا در محیطی، انواع صداها به گوش برسد و شنیده هم بشود، ولی معنایی انتقال پیدا نکنند. در نتیجه، حس و ادراکی هم به دست نمی‌آید. وقتی ادراک صحیح از شنیده‌ها حاصل نشود، چه بسا شنونده با بی‌تفاوتی از آن بگذرد و یا واکنشی نامناسب در برابر آن از خود نشان دهد. به همین دلیل در روایات، خوب گوش دادن بر سخن گفتن مقدم شده است. امام علی علیه‌السلام در همین رابطه فرمودند: «خوب گوش دادن را یاد بگیر، همان‌طور که خوب سخن گفتن را یاد می‌گیری» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۲۴۵). هم‌چنین بر اساس آیه ۶۱ توبه که اختصاص به پیامبر دارد و آیه ۲۱ احزاب که آن حضرت را به عنوان اسوه حسنه معرفی می‌فرماید، می‌توان از ایشان آموخت که مرد باید به منظور احترام به زن، به سخنان او خوب گوش داده و عکس‌العمل مناسب داشته باشد. از مهارت‌های گوش دادن می‌توان به توجه، اشاره، دعوت و سؤال کردن اشاره نمود. زمانی که مرد بتواند به سخنان همسرش خوب گوش دهد، حتی اگر نتواند خیلی از مشکلات را حل کند، حداقل او را درک کرده است. این گوش دادن، نشانه ارزش نهادن به طرف مقابل است که خود به خود، نازاحتی‌ها، گلایه‌ها و مشکلات را کاهش می‌دهد.

۳.۲.۲.۲. هدیه دادن: یکی از رفتارهای غیر کلامی که شادی و محبت ایجاد می‌کند، هدیه دادن به همسر است. این عمل، کینه‌ها و دشمنی‌ها را از بین برده و به جای آن، محبت را قرار می‌دهد. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله می‌فرمایند: «هدیه دهید تا محبوب شوید، زیرا هدیه کینه‌ها را می‌برد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۴۴). اصل هدیه دادن به همسر، نشان‌دهنده‌ی ارزش و اهمیتی است که او نزد هدیه‌دهنده دارد و البته ملاک، ارزش مادی هدیه نیست. وقتی کسی این احساس در

او ایجاد شود که برای دیگری ارزش و اهمیت دارد، نسبت به او علاقه و محبت پیدا می‌کند و به دنبال این عشق و علاقه، از صمیم قلب دستورات او را اطاعت می‌کند؛ «إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي» (آل عمران/۳۱).

۳.۳.۲.۲. همکاری در امور منزل: همکاری یعنی مسئولیت کارهای خانه برعهده مرد نیست و در صورت تمایل می‌تواند زن را در امور منزل یاری دهد. در منابع دینی، با تأکید بر تقسیم کار جنسیتی، امور بیرون از خانه به مرد و درون خانه به زن واگذار شده است. مانند کاری که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله درباره حضرت علی و حضرت فاطمه زهرا علیهما‌السلام انجام دادند و حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها فرمودند: «از این که پیامبر خدا مرا از برعهده گرفتن مسئولیت‌های مردان معاف کرد، فقط خدا می‌داند که چقدر خوشحال شدم» (حرّعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲، ص ۱۷۲)؛ اما فمینیسم به عنوان یکی از جریان‌های مدعی دفاع از حقوق زنان، با این دیدگاه مخالف بوده و معتقد است که زنان به علت جنسیت، گرفتار تبعیض هستند (مکنزی و دیگران، ۱۳۷۵، ص ۳۴۶). طرفداران این جریان فکری می‌گویند: اساس خانواده به سوی برابری و تقارن نرفته و خانواده مکان نابرابری است؛ جایی که زنان مطیع هستند و نقش‌های آنان از پیش تعیین شده است (زارعی توپخانه، ۱۳۹۷، ص ۵۲). این گروه با همین ادعا، خواهان سوق دادن زنان به مشاغل عمومی و تضعیف نقش مادران در خانواده (بهشتی و احمدی‌نیا، ۱۳۸۵، ص ۷۰)، تساوی طبیعت مردان و زنان و انکار نقش جنسیتی بین آن‌ها هستند (زارعی توپخانه، ۱۳۹۷، ص ۵۲). باید دید این سخن چقدر پشتوانه علمی داشته و چه تأثیری در جذابیت یا عدم جذابیت زن و مرد نسبت به یکدیگر دارد؟ در این زمینه، چند نکته قابل تأمل است:

اول، در جریان فکری فمینیسم، به تفاوت دو مفهوم «تساوی» و «تشابه» حقوق توجه نشده و انسان بودن زن، موجب فراموشی زن بودن وی گردیده است (بهشتی و احمدی‌نیا، ۱۳۸۵، ص ۷۲). دوم، تفاوت‌های جسمی در منابع علمی مورد تأیید واقع شده و یکی از این تفاوت‌ها، تعداد کروموزوم‌های مرد و زن است؛ که فمینیست‌ها هم نتوانسته‌اند آن را انکار کنند (محمدی، ۱۳۹۲، ص ۴۶).

سوم، از نگاه روان‌شناسی، تفاوت‌های طبیعی جسمی و روحی زن و مرد، کارکردهای آن‌ها را متفاوت خواهد کرد و عدالت نیز در ادبیات دینی، قرار گرفتن هر چیز در جایگاه خودش است. حتی بین زن و مرد، تفاوت در احساسات و عاطفه هم وجود دارد. احساسات زن جوشان‌تر است و به همین دلیل، زودتر تحت تأثیر احساسات قرار می‌گیرد، ولی مرد سرد‌مزاج‌تر است (این

نکته، از مهم‌ترین و بنیادی‌ترین تفاوت‌های زنان و مردان است که خود باعث نتایج و پیامدهای متعددی می‌شود و بسیاری از موارد یاد شده در این تحقیق، از آن جمله است. دختران به توانایی، استعداد و پیشرفت پسران و پسران بیش‌تر به ظاهر و جاذبه‌های جسمی دختران توجه می‌کنند (لطف‌آبادی، ۱۳۸۱، ص ۹۵؛ محمدی، ۱۳۹۲، ص ۵۴).

زن و مرد در حواس و ادراک نیز با یکدیگر تفاوت دارند. حساسیت پوستی زن بیش‌تر است و با نوازش بدنی نشاط روانی می‌یابد (حسینی و همکاران، ۱۳۸۱، ص ۴۳؛ محمدی، ۱۳۹۲، ص ۵۴). نکات فوق، نمونه‌هایی از تفاوت‌های زن و مرد بود که عدم توجه به آن‌ها، منجر به انقلاب جنسی و عدم مسئولیت‌پذیری هرکدام از طرفین خواهد شد. از پیامدهای منفی دیگر این بی‌توجهی، کاهش جذابیت زن و مرد برای همدیگر است (بدانتر، ۱۳۷۷، ص ۲۴۹ تا ۲۶۷؛ محمدی، ۱۳۹۲، ص ۵۶).

اسلام، درباره مقام انسانی از نظر خلقت، بین زن و مرد تمایزی قائل نیست و در قرآن می‌فرماید: زنان و مردان از سرشت واحد آفریده شده‌اند؛ «خداوند، کسی است که همه شما را از يك انسان آفرید» (نساء/۱) «و از نشانه‌های او این‌که همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید» (روم/۲۱). بنابراین در اسلام، نظریه تحقیرآمیزی نسبت به زن از لحاظ سرشت و طینت وجود ندارد؛ ولی چون از بسیاری جهات مشابه هم نیستند، پس دارای حقوق و وظایف مختلفی خواهند بود (بهشتی و احمدی‌نیا، ۱۳۸۵، ص ۷۳ تا ۷۴). در روایات هم به این تفاوت جنسیتی اشاره شده است؛ امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «خداوند صبر و تحملِ ده مرد را به زن عطا کرده است» (کلینی، ج ۵، ص ۳۳۹) که اشاره به احساس و عاطفه بیشتر در جنس مونث است. در امور اجتماعی نیز، اسلام تأکید دارد، در واگذاری امور و مسئولیت به زنان و مردان، توان و ویژگی‌های هر کدام از آن‌ها در نظر گرفته شود.

اسلام در عین تأکید بر تفکیک جنسیتی امور بین زن و مرد، فعالیت زنان در بیرون از خانه را ممنوع نمی‌داند، بلکه مشروط به رعایت عفاف و حجاب کرده است. در روایتی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌آمنه آمده است: «کار کردن برای کسب مال حلال، بر هر مرد و زن مسلمان واجب است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۱۰۰، ص ۹؛ بروجردی، ۱۳۸۶، ج ۲۲، ص ۸۸)؛ رسول‌الله صلی‌الله‌علیه‌وآله هم چنین به یک زن عطر فروش توصیه می‌فرماید: «زمانی که چیزی می‌فروشی، نیکو معامله کن» (ابن‌بابویه، ج ۳، ص ۲۷۲). متقابلاً، کارکردن مرد در خانه نیز به خصوص با نگاه تعاون و کمک به همسر، مورد

تأکید و ستایش قرار گرفته و در سیره خانوادگی حضرت علی علیه‌السلام و حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها نیز مشهود است (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۲، ص ۳۹).

۳.۲.۳. تماس چشمی: تماس چشمی، از جمله رایج‌ترین و نیرومندترین علائم و رفتارهای غیرکلامی است که می‌تواند محبت را به ارمغان آورد و هم‌چنین بیان‌گر صمیمیت، درگیری و جاذبه یا نشان‌گر تسلط، پرخاش‌گری باشد. به‌عنوان مثال، تماس ممتد چشمی یک زوج جوان و دل‌داده، با تماس ممتد چشمی دو دشمن فرق دارد. به همین جهت، معنای دقیق تماس چشمی تا حد زیادی به رابطه بستگی دارد و شامل نوع نگاه کردن، پلک زدن، حالت چشم و پوست اطراف آن می‌باشد. در روان‌شناسی حالات چشم گفته شده: چشم‌ها در خوشی برق می‌زنند؛ در غمگینی، قرمز و اشک‌آلود می‌شوند و در عصبانیت، خشمگین خواهند بود (زارعی توپخانه، ۱۳۹۷، ص ۱۵۶ تا ۱۵۷). از حالاتی که برای چشم بیان شد، این نکته به دست می‌آید که چشم‌ها اطلاعات بسیار مهمی را در زمینه روابط با اشخاص دیگر منتقل می‌کنند. بنابراین، توصیه می‌شود در هنگام گفت‌وگو برای فهمیدن، توجه و برقراری ارتباطی صمیمانه، در چشم طرف مقابل نگاه شود. این کار، نشان‌دهنده آن است که حواس من به تو است و به جای دیگری توجه ندارم (همو، ص ۱۵۶). از طرفی، وقتی فردی بتواند از حالت چشم فرد مقابل، درون او را بفهمد که آیا غمگین است یا خوشحال و یا عصبانی، می‌تواند برخورد متناسب با او داشته باشد و این به سلامتی و امنیت خانواده کمک فراوانی می‌کند.

در قرآن هم برای چشم، معانی متفاوتی بیان شده است؛ مثل چشم یقین، چشم اعجاز‌آمیز، خاشع، شور. از بین آن‌ها به توضیح چشم اعجاز‌آمیز و زیبا که مربوط به بحث می‌شود، می‌پردازیم.

۳.۲.۳.۱. چشم اعجاز‌آمیز: گاهی اراده خداوند بر آن تعلق می‌گیرد که چشم انسان، واقعیت را به شکل و صورت دیگری ببیند تا امیدواری در قلب او جایگزین یأس و ناامیدی شود (نساجی زواره، ۱۳۸۳، ص ۵۹). در آیه ۴۴ انفال با اشاره به جنگ بدر، می‌فرماید: با این اعجازِ خداوند، مسلمانان، بر انبوه لشکر دشمن، پیروز شدند.

۳.۲.۳.۲. چشم زیبا: زیبایی انسان، قبل و بیش از هر چیز در چشمان اوست. بنابراین، قرآن در مورد همسران بهشتی، روی زیبایی چشمان آن‌ها تأکید کرده است. در چندین آیه قرآن، از همسران بهشتی به «حورالعین» تعبیر شده است؛ مانند آیه ۵۴ سوره دخان که می‌فرماید: «كَذَلِكِ

و زَوْجِنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ^۱. کلمه «حور» به معنای زنی است که دارای چشمانی سیاه، چون چشم آهو باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۸، ص ۱۴۹). توجه همسران به زیبایی‌های یکدیگر، علاوه بر این که باعث کشف نشانه‌هایی از هنرمندی و زیباآفرینی خداست و رابطه بین آن دو را با خدا قوی‌تر می‌سازد؛ در لذت بردن از یکدیگر، افزایش محبت و آرامش و خوشبختی آن‌ها نیز مؤثر است (فقیهی، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۲۰۳ تا ۲۰۴). البته چشم زیبا، در صورتی ارزنده است که درون فرد نیز دارای ایمان، وقار، پاکی و صداقت باشد.

از انواع مطرح چشم در قرآن، این معنا حاصل می‌شود که در آموزه‌های دینی، توجه به چشم و زیبایی آن امری مطلوب شمرده شده و باعث لذت و فرح می‌شود، زیرا ویژگی‌های زنان بهشتی است. اما چشم اعجاز‌آمیز می‌تواند اثر فوق‌العاده‌ای در زندگی زوجین داشته باشد. یعنی اگر یکی از زوجین دارای ایمان و پاکی بوده و در سایه تقوی، رابطه قوی با خدا داشته باشد، در صورت داشتن همسری بداخلاق و غیرقابل تحمل، خداوند آن همسر بداخلاق را در چشم این فرد زیبا جلوه داده و به این ترتیب به او آرامش را هدیه می‌دهد. چه بسا در سایه چنین صبر و تحملی، آن فرد بداخلاق هم تغییر رفتار داده و مورد رضایت همسرش عمل کند و گرمی خانواده و انس و محبت در آن خانواده حفظ شود.

۴. وظایف زن

وظایف زن نیز در تأمین نیازهای عاطفی، به دو نوع مرتبط با حیطة کلامی و غیرکلامی تقسیم می‌شود.

۴.۱. وظایف مرتبط با حیطة گفتار و کلام

زنان در جهت تشخیص مسئولیت و وظایف خود در قبال خانواده و همسر، باید نیازهای مردان و فرزندان را بشناسند و مطابق آن، وظایف خود را تشخیص داده و در برآورده کردن آن نیازها تلاش کنند؛ تا خود نیز بتوانند نیازهای عاطفی‌شان را از مرد دریافت کنند. به همین منظور، مهم‌ترین وظایف مرتبط با حیطة کلام و گفتار زنان در قبال اعضای خانواده، بیان می‌گردد.

۱.۱.۴. تعریف و تمجید کلامی: بر اساس پژوهش‌ها، زن با تعریف و تمجید از تلاش‌های

^۱ این چنین حوریان درشت‌چشم را همسران آنان قرار می‌دهیم.

مرد، نیاز روانی وی را تأمین می‌کند و در مقابل، مرد نیز با احساس توان‌مندی بیشتری برای خدمت به خانواده، تلاش مضاعفی به کار می‌بندد (زارعی توپخانه، ۱۳۹۷، ص ۱۷۴). هم‌چنین زن می‌تواند با تعریف از همسرش، عیب‌های او را ببوشاند و وی را زیبا جلوه دهد و به غرور و افتخار او بیافزاید. خداوند در قرآن می‌فرماید: «زنان لباس شما هستند؛ و شما لباس آن‌ها (هر دوزینت هم و سبب حفظ یکدیگرید)» (بقره/۱۸۷). این جمله، کمال اتصال و وابستگی زن و مرد را می‌رساند؛ و از استعمال آن در باب مفاعله، این معنا حاصل می‌شود که پوشش زن و مرد، از ناحیه هردو طرف است (ابن‌عاشور، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۷۹).

۴.۱.۲. سپاس‌گزاری گفتاری: اصل مهمی در روایات وجود دارد که به ما یادآور می‌شود: «تشکر نکردن از دیگران، ناسپاسی به خدا به شمار می‌آید» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۳۱۳). از این جهت که تشکر همیشه در برابر نعمت است و نعمت هم یا مستقیماً از طرف خدا به ما می‌رسد، و یا بندگان خدا واسطه‌ی فیض و نعمت الهی می‌شوند. سپاس از دیگران، رفتاری اخلاقی است و در خصوص خانواده، سپاس‌گزاری همسران، از اصول روابط مؤثر محسوب می‌گردد (برنشتاین، ۱۳۸۰، ص ۱۶۱). نتایج پژوهش‌ها نشان می‌دهد، تکریم و احترام به همسر، یکی از عوامل اصلی پایداری و ثبات ازدواج است (زارعی توپخانه، ۱۳۹۷، ص ۱۷۴). در معارف دینی، سپاس‌گزاری از همسر، از جمله صفات مناسب زنان ذکر شده و در روایت آمده است: «بهترین زنان شما، زنی است که وقتی به او چیزی داده شود، سپاس‌گزاری کند» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰، ص ۲۳۹). در روایتی دیگر می‌فرمایند: «خوشبخت است! خوشبخت است! زنی که شوهرش را بزرگ شمارد. (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۲۷۰؛ شامی، ۱۴۲۰ق، ص ۶۴۱؛ کراچکی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۱۵۰). علت این‌که در روایت، زنی که به شوهرش احترام می‌گذارد، خوشبخت معرفی شده، این است که تشکر از دیگران و از جمله همسر، در راستای توحید و تشکر از خدا قرار گرفته است. خداوند متعال دوست دارد که واسطه نعمت نیز مورد تشکر قرار گیرد (پسندیده، رضایت از زندگی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۱ تا ۱۴۲)؛ به همین دلیل در روایات تصریح شده: «اگر از احسان‌کننده تشکر نشود، در حقیقت از خدا تشکر نشده است» (طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۳۸۳؛ ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۳۸۰). بنابراین، تشکر از احسان و نیکی همسر، امری الهی و بهترین واکنش به رفتار نیک وی است که نقش مهمی نیز در روابط مثبت و سازنده همسران دارد.

در روایت داریم: «هر کس در برابر خوبی‌ای که به او شده، همانند آن خوبی کند، آن خوبی را پاداش داده است و هر کس بیشتر از آن خوبی کند، سپاس‌گزاری کرده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۴،

ص ۲۸). بنابراین، زوجین باید خوبی یکدیگر را با «مقابله برتر» پاسخ دهند تا سپاس‌گزاری کرده باشند، نه «مقابله برابر» که در قرآن از آن به «هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ» (رحمن/۶۰) یاد شده است (پسندیده، کانون جوانمردی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۰).

اهمیت «مقابله برتر» با توجه به کلام امام علی علیه‌السلام از این جهت است که: سپاس‌گزاری، ارزشمندتر از نیکی کردن است؛ زیرا سپاس‌گزاری می‌ماند و نیکی از بین می‌رود (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۲۶). یعنی تأثیر سپاس‌گزاری فرد مقابل، از کار خوب پایدارتر است. با این تعبیر، سپاس‌گزاری به عنوان یک فعل ارزشی مطرح است که باعث افزایش عاطفه مثبت بین همسران شده و تأثیر آن عمیق‌تر بوده و زمان بیشتری پایدار می‌ماند (پسندیده، رضایت زناشویی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۳). اثر دیگر سپاس‌گزاری، با نگاه به روایات این است که: «سپاس‌گزاری از کسی که از تو راضی است، باعث رضایت و وفاداری بیشتر او می‌شود و سپاس‌گزاری از کسی که از تو ناخشنود است، سبب رفع ناراحتی و جلب مهربانی او به تو می‌شود» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۴۰۷)؛ یعنی هم در فرد راضی تأثیر مثبت می‌گذارد و هم در فرد ناراضی. با این توضیح که سپاس‌گزاری در همسران دارای رابطه خوب، باعث افزایش رضایت‌مندی می‌شود؛ و در زوجینی که ناراحتی و کدورت دارند، موجب اصلاح رابطه و بازگشت عاطفه می‌گردد (همان). نتیجه این که سپاس‌گزاری هم کارکرد «ارتقایی» دارد (ارتقای سطح روابط) و هم کارکرد «درمانی و اصلاحی». سومین اثر سپاس‌گزاری، این است که باعث معنوی شدن روابط همسران می‌شود. زیرا وقتی انسان به این باور برسد که کار نیک همسرش، در حقیقت لطف خدا است که از طریق وی به او رسیده، به همسر خود به عنوان واسطه فیض و لطف الهی نگاه می‌کند. این دیدگاه، در معنوی شدن رابطه تأثیر فوق‌العاده دارد و تشکر را از رابطه «انسان-انسان»، به رابطه «انسان-خدا» ارتقا می‌بخشد (پسندیده، رضایت از زندگی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۴). خلاصه این که ارتباط تنگاتنگ، پیونددهنده زندگی زناشویی با مطمئن‌ترین و محکم‌ترین بنیان، یعنی خداوند است که می‌تواند صمیمیت زوجین و سلامت، رضایت و موفقیت زندگی مشترک آن‌ها را تضمین کند.

۴.۱.۳. دوری از سبک‌گفتاری آمرانه: در کلام پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، بهترین زنان کسانی معرفی شده‌اند که گفتار مرد را می‌شنوند و امر او را اطاعت می‌کنند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۲۴). از آن‌جا که مردها در مرکز ساختار قدرت در خانواده قرار دارند و زن، مدیریت داخلی و منبع عاطفی خانه را برعهده دارد (رودز، ۱۳۹۳، ص ۳۰۳)، یکی از عوامل مؤثر در افزایش یا کاهش اقتدار مردانه، شیوه گفتاری زن در ارتباط با همسر است. به عنوان مثال، سبک گفتاری آمرانه و امر و

نهی مستمر زن، تأثیر زیادی در کاهش اقتدار مردانه دارد. مرد در برابر چنین رفتاری، مدام در رنج است و در برابر آن، واکنش منفی نشان می‌دهد. این الگو، اگر با تحقیر و طعنه و پرخاش‌گری همراه باشد، آثار مخرب بیشتری برجا می‌گذارد. بنابراین توصیه می‌شود، خانم‌ها برای بیان خواسته‌های خود، از سبک گفتاری پرسشی و ترجیحی، مانند: «بهتر است، امکانش هست؟ یا بهتر نیست؟ و...» استفاده کنند (زارعی توپخانه، ۱۳۹۷، ص ۱۷۰).

۲.۴. وظایف مرتبط با حیطة غیر کلامی

زنان نیز مانند مردان، وظایفی در برقراری ارتباط غیرکلامی دارند که انجام آن‌ها، خانواده را به آرامش می‌رساند.

۴.۲.۱. صبوری و بردباری: از ویژگی زنان شایسته، آن است که در برابر پرخاش‌گری همسر، صبور باشند. در روایات اسلامی وارد شده است: «هر زنی که گفتار ناپسند همسرش را تحمل کند، خداوند به ازای هر کلمه، اجر روزه‌دار و مجاهد در راه خدا را برایش ثبت می‌کند» (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۴۵). این روایت، جهت انگیزشی دارد؛ یعنی انگیزه زن را برای تحمل گفتار ناپسند همسرش تحریک می‌کند. در روایتی دیگر امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: «جهاد زن، صبر بر آزار و اذیت همسرش است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۹). قرآن نیز می‌فرماید: بدی را با رفتاری نیکوتر پاسخ بده که ناگهان خواهی دید، همان کسی که بین تو و او دشمنی بود، مانند دوستی صمیمی شده است (فصلت/۳۴). بنابراین، صبوری زن در برابر رفتار نامطلوب همسر، بهترین راه برای پیشگیری از بروز آشفتگی در زندگی مشترک است. این هنر همسری است که علاوه بر توان‌مندی در تحمل سختی‌ها، مهارت‌های لازم برای عبور از بحران را هم داشته باشد تا بتواند با کاهش فشارهای روانی، راه رویارویی صحیح و منطقی با حوادث را بیابد (پسندیده، رضایت از زندگی، ۱۳۸۶، ص ۲۶۰ تا ۲۶۱). زن هم‌چنین باید دارای ایمان باشد؛ در روایات، صبر منشأ ایمان معرفی شده است: «الصَّبْرُ رَأْسُ الْإِيمَانِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۲۶). چنین زنی، از تبدیل شدن خانه به میدان جنگ قدرت جلوگیری کرده و بنیان خانواده را حفظ می‌کند.

۲.۲.۴. قناعت: از نگاه اسلام، یکی از مهم‌ترین وظایف مرد، تأمین مخارج زندگی است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمودند: حق زن بر شوهرش این است که شکمش را سیر کند و بدنش را بپوشاند (ابن‌فهد حلی، ۱۴۰۷ق، ص ۹۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۰، ص ۲۵۴) و جالب این‌که پرداخت نفقه و تأمین مخارج زندگی توسط مرد را نیز از مصادیق احسان به همسر می‌دانند. اسحاق بن عمار از امام صادق علیه‌السلام می‌پرسد: «حق زن بر شوهرش چیست که اگر آن را انجام

دهد، جزو نیکوکاران باشد؟ حضرت علیه السلام می فرمایند: خوراک و پوشاکش را فراهم کند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۱۰؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۱۶۹). همان طور که قبلاً بیان شد، «احسان» از عوامل اساسی در حفظ و تقویت مودت و صمیمیت همسران است و این روایت نشان می دهد که تأمین اقتصاد خانواده، از جمله مصادیق آن محسوب می شود. بنابراین تأمین مخارج زندگی، از عوامل مؤثر در تعامل مثبت میان همسران است؛ زیرا انسان، موجودی نیازمند است و تا نیازش برآورده نشود، به آرامش نخواهد رسید (پسندیده، رضایت از زندگی، ۱۳۸۶، ص ۲۱۷ تا ۲۱۸). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرمایند: به درستی که هرگاه روزی انسان تأمین شود، نفس، آرام می گیرد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۸۹). در عین حال، به بانوان نیز توصیه می کنند در امور اقتصادی، درآمد همسرشان را در نظر بگیرند و از توقعات نامعقول و خارج از توان او، اجتناب ورزند؛ در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله آمده است: بر زن جایز نیست، همسرش را به بیش از توانایی او مجبور کند (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۴، ص ۲۴۲). زیرا این مسأله احساس ناتوانی و شکست را در مردان به وجود می آورد (زارعی توپخانه، ۱۳۹۷، ص ۱۷۷) و اقتدار مرد را درهم می شکند. قبلاً گفته شد، زمانی که اقتدار مرد خدشه دار شود، تأمین نیازهای عاطفی زن از طرف مرد با مشکل مواجه می گردد و این موارد، اثر منفی در آرامش خانواده خواهد گذاشت.

۴.۲.۳. عفت: عفت بودن، هم شامل رعایت پوشش ظاهری می گردد و هم مراقبت از امور معنوی و روحی. به همین جهت، دامنه آن گسترده بوده و شامل عفت نگاه، کلام و دامن می شود. یکی از مؤثرترین عوامل امنیت روانی مرد، پاکدامنی و عفت همسر اوست. در معارف دین، خیانت مراتبی دارد که بعضی روایات، مصادیقی از آن را بیان کرده اند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۵۵۹؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۵۸؛ حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۳۲۶)؛ اما متأسفانه در دنیای امروز، خیانت زناشویی به خصوص در فضای مجازی فراگیر شده و با گسترش ارتباطات، نوعی خیانت در قالب تماس تلفنی، ارسال تصویر، گپ و گفت مجازی و مانند آن، پدید آمده است که می تواند بسیار ویرانگر باشد. در این پدیده، افراد، ضمن تماس الکترونیکی با غیر همسر خود، رابطه مجازی خیانت آمیزی برقرار می کنند که در ادامه می تواند به خیانت حضوری نیز تبدیل شود. کسی که دل به غیر همسر خود ببندد، جسمش در خانواده و کانون توجه اش در بیرون است. این دوگانگی، سبب ناسازگاری، بی مهری، بدزبانی و نارضایتی می شود و سرور، شادمانی و آرامش خانواده را از بین می برد. وجود چنین شرایطی، نه تنها به روابط والدین آسیب می زند، بلکه فرزندان را نیز قربانی می سازد (پسندیده، رضایت از زندگی، ۱۳۸۶، ص ۱۸۳ تا ۱۸۵). از همین جهت است که

امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: خوشا به حال کسی که مادرش پاک‌دامن است (ابن‌بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۵۶۴).

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر، با هدف تبیین وظایف و مسئولیت‌های عاطفی همسران با رویکرد دینی و روان‌شناسی انجام شد و نتایج تحقیق حاکی از آن است که، در نهاد خانواده، زن و شوهر به عنوان ارکان اصلی مطرح بوده و نقش کلیدی در آرامش خانواده دارند. یکی از مهم‌ترین نقش‌ها و مسئولیت‌های عاطفی همسران، اظهار محبت نسبت به یکدیگر است که تأثیر زیادی در استحکام بنیاد خانواده دارد. اظهار محبت می‌تواند در قالب‌های کلامی-گفتاری و غیر کلامی-رفتاری بروز کند. از مولفه‌های ارتباط عاطفی بین زن و شوهر در محیط خانواده، خوش‌رویی، صدا زدن به احترام، سپاس‌گزاری و خودداری از سرزنش است که باعث ایجاد آرامش در خانواده می‌شود. در مقابل، تحقیر و توهین یکدیگر با استفاده از اسامی زشت، نسبت‌های ناروا و یا تمسخر، موجب بروز اختلافات خانوادگی می‌گردد. احترام زن به شوهر، افزون بر تأثیر در افزایش روحیه و اقتدار و تأمین آرامش وی، باعث تقویت مهرورزی شوهر نسبت به زن می‌شود. بنابراین، زن با توجه به ویژگی‌های فردی و وظایفش در تشکیل و تحکیم خانواده، سهم بیشتری در تأمین آرامش آن دارد. البته تحقق و تداوم این آرامش، به مشارکت و تلاش همه‌جانبه‌ی زن و شوهر نیاز دارد. با آن‌که مدیریت کلان و هدایت خانواده و تأمین معاش و امکانات زندگی و به تعبیری دیگر، تأمین آسایش خانواده برعهده مرد است، اما از نقش وی در ابراز محبت و مهربانی به همسر و فرزندان و تأمین نیازهای روحی و روانی آن‌ها نباید غفلت شود.

زن و مرد به عنوان دو موجود متفاوت، تفاوت‌ها و اشتراکات فراوانی باهم دارند و این تفاوت‌ها هدفمند بوده و از روی حکمت و مصلحت است. آموزه‌های اسلام در نگرش به خانواده و کارکردهای آن، به گونه‌ای طرح‌ریزی شده که ضمن از بین بردن زمینه‌های تنش و تضاد، از آسیب‌های احتمالی که ممکن است حتی بعد از به‌کار گرفتن راه‌های تعامل صحیح به‌وجود بیاید، جلوگیری می‌کند. مانند راه‌کاری که درباره عوارض عدم توجه به احسان و یا آفت تعریف و تمجید و نقطه مقابل آن توهین و تحقیر، ارائه داده است و روان‌شناسان نسبت به این موارد، نظر پیشگیرانه‌ای ارائه نکرده‌اند.

منابع

- قرآن، ترجمه مکارم شیرازی.
- نهج البلاغه، ترجمه صبحی صالح.
- ۱. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲)، خصال، ج ۴، تصحیح: غفاری، علی اکبر، قم: جامعه مدرسین.
- ۲. ابن شُعبه حرّانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، تحف العقول، تصحیح: غفاری، علی اکبر، قم: جامعه مدرسین.
- ۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۴۳۰ق)، مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۲، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- ۴. ابن عاشور، محمدطاهر (بی تا)، التحرير والتنوير، ج ۲، بیروت: موسسه التاريخ.
- ۵. ابن فارس، احمد (۱۳۹۹ق)، معجم مقاییس اللغة، ج ۱، بی جا: دارالفکر.
- ۶. ابن فهد حلی، احمد بن محمد (۱۴۰۷ق)، عدة الداعی و نجاح الساعی، تصحیح: موحدی قمی، احمد، بی جا: دارالکتب الإسلامی.
- ۷. ابوالفتحی ممتاز، یدالله، انصاری، مبارکه، فروغان، مهشید (۱۳۹۹)، اثربخشی آموزش شوخ طبعی بر بهزیستی سالمندان، مجله روان شناسی پیری، ش ۶ (۲)، ص ۱۲۲.
- ۸. آشوری، داریوش (۱۳۸۶)، دانشنامه سیاسی، تهران: مروارید.
- ۹. بدانتز، الیزابت (۱۳۷۷)، عصر تشابه جنس ها، ترجمه: وارسته فر، افسانه، مجله زنان، ش ۴۸، ص ۲۴۹-۲۶۷.
- ۱۰. برنشتاین، فیلیپ (۱۳۸۰)، زناشویی درمانی، مترجمان: پورعابدی نایینی، سیدحسن، منشئی، غلامرضا، تهران: رشد.
- ۱۱. بروجردی، سید حسین (۱۳۸۶). جامع احادیث الشیعه، ج ۲۵، تهران: فرهنگ سبز.
- ۱۲. بهشتی، سعید، احمدی نیا، مریم (۱۳۸۵)، تبیین و بررسی نظریه تربیتی فمینیسم و نقد آن از منظر تعلیم و تربیت اسلامی، فصلنامه تربیت اسلامی، ش ۳، ص ۷۰.
- ۱۳. پسندیده، عباس (۱۳۸۶)، رضایت از زندگی، ج ۵، قم: دارالحدیث.
- ۱۴. _____ (۱۳۸۹)، کانون جوانمردی، تهران: مرکز امور زنان و خانواده نهاد ریاست جمهوری.

۱۵. _____ (۱۳۹۱)، رضایت زناشویی، قم: دارالحدیث.
۱۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، غررالحکم و دررالکلم، تصحیح: رجایی، سیدمهدی، قم: دارالکتب الإسلامی.
۱۷. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، وسائل الشیعه، قم: موسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
۱۸. حسن زاده، رمضان (۱۳۹۰)، روان‌شناسی خانواده، عشق و ازدواج (مدیریت خانواده)، ج ۱، تهران: نشر ساوالان.
۱۹. حسینی همدانی، سیدمحمد (۱۴۰۴ق)، انوار درخشان، تهران: کتابفروشی لطفی.
۲۰. حسینی، سیدهادی و همکاران (۱۳۸۱)، کتاب زن، تهران: امیرکبیر.
۲۱. خطیبی، شهلا، گودرزی، محمود، یاراحمدی، یحیی (۱۳۹۸)، بررسی رابطه بین مسئولیت پذیری و نیازهای بنیادین گلاسر با ازدواج رضایت‌مند: نقش میانجی تاب‌آوری، مجله دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی مشهد، ش ۶۲ (ویژه روان‌شناسی)، ص ۱۶-۳۳.
۲۲. رودز، استون‌ای (۱۳۹۳)، تفاوت‌های جنسیتی را جدی بگیریم، مترجم: محمدی، معصومه، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۳. زارعی توپخانه، محمد (۱۳۹۷)، مهر و اقتدار در خانواده، قم: مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه.
۲۴. سالاری‌فر، محمدرضا (۱۳۹۵)، درآمدی بر زوج‌درمانی با روی‌آورد اسلامی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۵. سیوطی، عبدالرحمن (بی‌تا)، الجامع الصغیر، ج ۱، بیروت: دارالفکر للطباعه والنشر والتوزیع.
۲۶. شامی، یوسف بن حاتم (۱۴۲۰ق)، الدرالنظم فی مناقب الائمة اللهمیم، قم: جامعه مدرسین.
۲۷. شاهواروتی، مریم (۱۳۸۷)، بررسی تفاوت‌های جنسیتی زنان و مردان در دو دیدگاه قرآن مجید و فمینیسم، فصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآنی، ش ۱، ص ۷۵.
۲۸. شهیدی، سیدمحمد مهدی (۱۴۰۱)، چرا رابطه جنسی زوج‌ها نسبت به بیست سال پیش کمتر شده است؟، بازیابی از سواد زندگی: <http://www.savadezendegi.com>.
۲۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیرالقرآن، ج ۳، قم: جامعه مدرسین.
۳۰. طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ق)، مکارم الاخلاق، قم: الشریف الرضی.
۳۱. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع‌البیان فی تفسیرالقرآن، تهران: ناصر خسرو.
۳۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، الامالی، تصحیح: موسسه البعثة، قم: دارالتقافه.
۳۳. عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۰)، بنیادهای علم سیاست، تهران: نی.

۳۴. فقیهی، علی نقی (۱۳۸۵)، مبانی و اصول تربیتی در روابط زن و شوهر از منظر قرآن و حدیث، مجله تربیت اسلامی، ش ۳، ص ۲۰۳-۲۰۴.
۳۵. قرشی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۷)، تفسیر احسن الحدیث، ج ۲، تهران: بنیاد بعثت.
۳۶. کراچکی، محمد بن علی (۱۴۱۰ق)، کنزالفوائد، ج ۱، قم: دارالذخائر.
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب (۴۰۷ق)، الکافی، ج ۱، ۲، ۴، ۵، تصحیح: غفاری، علی اکبر، آخوندی، محمد، تهران: الکتب الإسلامیه.
۳۸. لطف آبادی، حسین (۱۳۸۱)، روان شناسی رشد، ج ۲، تهران: سمت.
۳۹. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، ج ۱۰۰، بیروت: دار احیاء التراث العربیه.
۴۰. محمدی، مسلم (۱۳۹۲)، زن از دیدگاه اسلام و فمینیسم، بی جا: زائر آستان مقدسه.
۴۱. مدرسی، سیدمحمدتقی (۱۴۱۹ق)، من هدی القرآن، تهران: دار محبّی الحسین علیه السلام.
۴۲. مفید، محمد (۱۴۱۳ق)، الاختصاص، تصحیح: غفاری، علی اکبر، محرمی زرنندی، محمود، قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید.
۴۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، ج ۱۴، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۴۴. مکنزی، یان و دیگران (۱۳۷۵)، مقدمه ای بر ایدئولوژی های سیاسی، مترجم: قائد شرفی، محمد، تهران: مرکز.
۴۵. نساجی زواره، اسماعیل (۱۳۸۳)، حالات چشم در قرآن، مجله درس هایی از مکتب اسلام، ش ۵۲۰، ص ۵۹.
۴۶. نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، قم: موسسه آل البیت علیهم السلام.
۴۷. وطن دوست، رضا (۱۳۹۳)، مسئولیت پذیری و مسئولیت گریزی، ج ۱، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
۴۸. ویسی، غلامرضا (بی تا)، آسیب شناسی خانواده و راه های پیشگیری از آن، تهران: مرکز تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
۴۹. هاشمی، سیدمهدی (۱۳۹۷)، با قرآن خوشبخت شوید، قم: آیه نور.

The Emotional Responsibility of Spouses in the Family from the Perspective of Islam (with a Psychological Approach)

Atefeh Polad (Author)
Mohsen Khoshfar

Abstract

The commentary ascribed to Imam Ḥasan ibn Ali 'Askarī (AS) is one of the earlier Shi'a narrative interpretations in the third century. There are controversies about this exegesis and it has been criticized by both earlier and later Imamiyyah scholars. Accordingly. The baseless and incorrect content of this exegesis, its related controversies as well as proving its non-attribution to the eleventh Imam arise some questions; if the current commentary isn't ascribed to Imam Ḥasan 'Askarī or his magnanimous father, who is its real author? What evidence is there to suggest its attribution to a particular person or show its author is unknown? So, the present study tries to identify the author of this commentary. The textual indications of the exegesis as well as the historical documents show that the real author of the exegesis is Ḥasan ibn Ali 'Askarī entitled 'Nāṣir Lilḥaq Utrūsh', the leader of the Zaydi sect and the 'Alavī ruler of Tabaristan.

Keywords: Family, education, emotional responsibility, love, duties of men and women, verbal and non-verbal needs.